

Knowledge of political interpretation
Vol 5, No 16, Summer 2023
ppt 1-23

Received: 07, MAY, 2023
Accepted: 06, AUG, 2023

**Examining China's approaches to multilateralism
(with an emphasis on the development of infrastructure and
international institutions)**

Hossein Hemmati ¹

Abstract

The foreign policy approach based on multilateralism seeks to deal with unilateralism in the international system. This country is trying to be able to establish peaceful relations with the countries of the world in the atmosphere of multilateralism in order to achieve its goals, which are mainly centered around the economy. Although in the structure of the western liberal system, it is developing its economy and has been able to emerge as a great power in the world arena by creating a degree of coordination and cooperation with the existing international system, but the economic rise of this country, along with the emphasis on multilateralism, has made the West Regarding the future threats aimed at the transformation of the international system and structures, it has caused concern. Anyway, the question that arises is how China has implemented multilateralism in its foreign policy? For this purpose, the research has paid special attention to two cases of infrastructure development and international institutions, and the findings show that the development of infrastructure, such as the revival of the Silk Road and the establishment of banks, along with the establishment of new international institutions such as Shanghai and BRICS, are in line with the policy of multilateralism. It has been China.

Keywords: China, multilateralism, Shanghai, BRICS, Silk Road

¹ PhD in Political Science, Islamic Azad University, Hamedan branch, Hamedan, Iran

H.hemmati96@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 5, No 16, Summer 2023

سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۴۰۲

ppt 1-23

صفحات ۱-۲۳

بررسی رویکردهای چندجانبه گرایی چین (با تأکید بر توسعه زیرساخت‌ها و نهادهای بین‌المللی)

حسین همتی^۱

چکیده

رویکرد سیاست خارجی برمدار چندجانبه گرایی به دنبال مقابله با یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل است. این کشور تلاش دارد تا بتواند در فضای چندجانبه گرایی به برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای جهان در تأمین اهداف خود که عمدتاً حول محور اقتصاد است دست یابد. گرچه در ساختار نظام لیبرالی غربی در حال رشد اقتصادی خود است و توانسته تا با ایجاد میزانی از هماهنگی و همراهی با نظام موجود بین‌المللی به‌عنوان قدرتی بزرگ در عرصه جهانی ظاهر شود اما خیزش اقتصادی این کشور در کنار تأکید بر چندجانبه گرایی، غرب را نسبت به تهدیدهای آتی که معطوف به دگرگونی نظام و ساختارهای بین‌المللی به نگرانی واداشته است. به‌هرحال پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه چین رویکردهای چندجانبه گرایی را در سیاست خارجی خود اجرا کرده است؟ برای این منظور پژوهش به دو مورد توسعه زیرساخت‌ها و نهادهای بین‌المللی توجه ویژه داشته است و یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌ها مثل احیای جاده ابریشم و تأسیس بانک‌ها در کنار تأسیس نهادهای جدید بین‌المللی چون شانگهای و بریکس در راستای سیاست چندجانبه گرایی چین بوده است.

واژگان کلیدی: چین، چندجانبه گرایی، شانگهای، بریکس، جاده ابریشم

^۱ دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

مقدمه

سیاست‌های چین برای جهان به دلایل گوناگونی اهمیت دارند. به دلیل تبدیل شدن چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان و قدرت نظامی و سیاسی قابل توجه آن، تصمیمات سیاسی و اقتصادی چین تأثیر زیادی بر تعاملات جهانی و به‌خصوص مناطق آسیایی دارد. این کشور بدون آنکه بخواهد نظم فعلی بین‌الملل را به چالش بکشد یا خود را درگیر مسائل نظامی و رویارویی با غرب سازد به‌صورت نرم از توسعه اقتصادی توانسته است اهرمی برای ارتقای قدرت خود در جهان ایجاد کند و در این راستا برای آزادسازی خود از قیدوبندهای سیستم غربی نظام بین‌الملل تلاش داشته است تا سیاست‌هایی را در قالب رویکرد چندجانبه‌گرایی اتخاذ کند. به‌طور کلی در حوزه سیاست خارجی، چندجانبه‌گرایی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی قرار می‌گیرد.

باید گفت رشد چین همچنان که در ساختار نظام بین‌الملل غربی انجام می‌پذیرد ولی این کشور خود را در ذیل هنجارها و اصول غربی نمی‌خواهد اسیر کند اگرچه شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و مقررات جدید راهی برای ورود به جهان چندجانبه‌گرایی برای حل و فصل اختلافات، صلح و عدالت جهانی بود اما تجربیات قریب به هشت دهه نظام بین‌الملل نشان داد که در عمل سیاست‌های غرب و در راس آن آمریکا از اصل چندجانبه‌گرایی فاصله گرفته و این مسئله بعد از پایان جنگ سرد شدت گرفت. چین با آگاه بودن به این شرایط برای عبور از ابزارهای بسیاری که غرب جهت تحت فشار قرار دادن چین می‌تواند استفاده کند تلاش دارد تا امنیت اقتصادی خود را تأمین کند.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا سیاست‌هایی که در راستای چندجانبه‌گرایی از سوی چین انجام شده است مورد بررسی قرار بگیرد. بنابراین پرسش اصلی این است که چین چه سیاست‌های را در جهت تقویت چندجانبه‌گرایی اتخاذ کرده است؟ فرضیه پژوهش این است که تقویت اقتصاد چین از یک سو نیازمند توسعه زیرساخت‌ها از جمله زیرساخت مالی و ارتباطی و از سوی دیگر نیازمند تأسیس نهادهای جدید بدون حضور غرب است.

اهمیت این پژوهش در این است که توسعه اقتصادی چین یک امر بدیهی و بسیار چالش‌برانگیز نظام بین‌الملل تلقی می‌شود. غرب با نگاه جهان بدون رقیب تصور می‌کرد که می‌تواند در نظم لیبرال، ارزش‌ها و سیاست‌های خود را در جهان پیش براند اما در این میان هشدارهای محافل علمی و سیاسی مبنی بر تهدیدات آتی که توانسته است با خیزش آرام اقتصادی چین در نظام بین‌الملل روی بدهد نشان از آن دارد که این کشور به یک بازیگر جدی و به دور از ارزش‌های غربی با تلاش‌های آرام برای تقویت زیرساخت‌ها و نهادهای جدید بین‌المللی پیش رفته است و هدف این کشور با چندجانبه‌گرایی تقویت جایگاه چین در سطح جهانی و ارتقای تعامل و همکاری کشورها با چین است.

چارچوب مفهومی؛ چندجانبه‌گرایی

چندجانبه‌گرایی واژه‌ای است که توسط مایلز کاهلر با عنوان "حکومت بین‌المللی" یا حکومت جهانی "با اشخاص بسیار" مفهوم بندی شده است. یکی از جامع‌ترین تعاریف چندجانبه‌گرایی متعلق به اندیشمند مشهور روابط بین‌الملل رابرت کوهن است. وی چندجانبه‌گرایی را عمل تطبیق و هماهنگی سیاست‌های ملی در بین سه یا بیشتر از سه کشور با ترتیبات موقت یا به‌وسیله نهادهای بین‌المللی میدانند. تفاوت‌های چندجانبه‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی در سه مشخصه اصلی یا سه ویژگی بنیادی؛ غیرقابل تقسیم بودن، اصول کلی رفتار و معامله به مثل پراکنده است از نظر راگی کیفیت نهادهای چندجانبه‌گرا سه ویژگی را عنوان می‌نماید: ۱. غیر قابل تقسیم بودن: این اصل اشاره به صلح و امنیت و رفاه میان اعضا دارد که ناظر بر اصل تفکیک‌ناپذیری یک سیستم می‌باشد. ۲. اصول و قواعد کلی که در شکل هنجارها و نرم‌های پذیرفته‌شده میان اعضا به اشتراک گذاشته می‌شود. ۳. عمل مقابله به مثل و روابط متقابل گسترده که ناظر به مشارکت فعال همه اعضا و تلاش برای رسیدن به چارچوبی جهت تنظیم اقدامات و رهنمودهایی برای دستیابی به اهداف بلند مدت است (درخشنده لزرجانی و دهشیری، ۱۳۹۷: ۴۵).

الگوی تاریخی ظهور قدرت‌های بزرگ به چهار گزینه راهبردی اشاره می‌کند: (۱) یک‌جانبه‌گرایی حمایتی، (۲) یک‌جانبه‌گرایی تقابلی، (۳) چندجانبه‌گرایی متمرکز و (۴) چندجانبه‌گرایی خودبه‌خود. در مورد، مزایا و محدودیت‌های متمایز آن مستلزم ایجاد شبکه‌های چندجانبه متمرکز در مناطق در حال توسعه و یک «چرخه اقتصادی بافضیلت پیوندهای داخلی و خارجی» است، همانطور که ابتکار کمربند و جاده شی (BRI) در حال حاضر مظهر آن است. همانطور که محققان کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی پیش‌بینی می‌کنند، عدم قطعیت‌های پس از همه‌گیری باعث ادامه پیگیری برای چنین ادغام بین توسعه داخلی و بین‌المللی می‌شود. ارزیابی‌های دیگر عمدتاً درون‌گرا هستند و با توجه به نیروهای ضد جهانی‌سازی حمایت‌گرایی تجاری، کوچک شدن زنجیره‌های صنعتی جهانی و معکوس شدن چندجانبه‌گرایی، تغییر در مدل توسعه را پیشنهاد می‌کنند. چنین پیشنهادهایی بر گسترش بازارهای مصرف داخلی، سرمایه‌گذاری صنعتی و نوآوری‌های فناوری بومی تأکید می‌کند، همانطور که برنامه پنج ساله فعلی بیان می‌کند (Byun, 2021). به نظر می‌رسد در نظم غرب‌گرایی کنونی چندجانبه‌گرایی، اصول حقوق بین‌الملل مبنی بر حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورها و کل ساختار الگوی بی‌دولتی نظم بین‌الملل کنونی نتوانسته صلح و هماهنگی را برای جهان به ارمغان بیاورد (Coco, 2020). با این حال کوشش‌هایی از سوی چین در حال انجام است.

چین و راهبرد چندجانبه‌گرایی

با مروری گذرا بر تاریخ معاصر جمهوری خلق چین می‌توان رویکرد سیاست‌گذاران و هسته مرکزی قدرت در حزب کمونیست چین به عنوان محور اصلی تحولات سیاست‌گذاران به چهار دوره مجزا تقسیم نمود: دوره نخست که سیاست انزوای چندجانبه‌گرایی و تمرکز بر دیپلماسی دو جانبه بود؛ دوره دوم تقویت نگاه چندجانبه‌گرایی در

سردمداران حزب کمونیست چین است؛ دوره سوم اتخاذ سیاست های منسجم برای تحقق چندجانبه گرایی چین است؛ دوره چهارم دوران جدید ورود چندجانبه گرایی چین به فاز راهبردی است. از ویژگی های چندجانبه گرایی چین صلح آمیز بودن روابط و عدم به چالش کشیدن و رویارویی نظم فعلی به صورت تهاجمی است. رویکرد این کشور توسعه اقتصادی است و امروزه مسیر این توسعه به عنوان توسعه صلح آمیز شناخته می شود. چین ادعا می کند که از یک روش توسعه علمی، مستقل، باز، صلح آمیز، مشارکتی و مشترک پیروی می کند. سه مفهوم اخیر (توسعه صلح آمیز، مشارکتی و مشترک) به طور مستقیم در ارتباط با رویکرد چندجانبه گرایی نسبت به کشورهای خارجی است. تحت مفهوم توسعه صلح آمیز از دیپلماسی در خلق یک محیط باثبات بین المللی که نتیجه آن توسعه داخلی است، بهره می برد. وجه اول دیپلماسی مسالمت آمیز، اصالت دادن به روابط مسالمت آمیز و پرهیز از مخاصمه با همسایگان و دیگر بازیگران نظام بین الملل، دومین وجه آن القای احساس امنیت به همسایگان و سومین وجه آن کمک به همسایگان در جهت رشد است (اشتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۷۶)

این کشور نوظهور یا در حال خیزش در شرق آسیا دارای قدرت و موقعیت جهانی بوده و خواستار حفظ و ارتقای این جایگاه می باشد. الزام آشکار ناظر بر این موقعیت تعامل و همکاری با نظام حاکم بین المللی است. به بیان دیگر گرچه همواره در مواضع اعلامی و گاه در مواضع اعمالی ساختار نظام بین الملل موجود را به چالش کشیده و مدل جایگزین نظام چندقطبی را واجد مطلوبیت جهانی قلمداد کرده اما در مقام عمل مؤثر از این حد فراتر نرفته است. پکن بر این باور است که به عنوان یک کشور تازه توسعه یافته نیازمند بازی براساس قواعد حاکم است زیرا الگوی رفتاری غالب در این نظام ائتلاف است و از این رو الگوی رفتاری خودیاری پاسخگویی مطلوبیت های سیاسی و اقتصادی نمی باشد. همان گونه که استراتژیست های آمریکایی به دولتمردان این کشور توصیه کرده اند که برای

مهار آن را به یکی از سهامداران نظم موجود تبدیل کنند نیز خود را در نظم موجود و استمرار آن ذینفع میدانند (مرکز مطالعات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۰).

به علاوه بعد تاکید بر سیاست درهای باز، ترجیح داده است که در بحران‌های فرامنطقه‌ای حضور نداشته باشد تا از این طریق ظهور مسالمت‌آمیز خود را به جهان اثبات کند. برای مصون ماندن از مضرات مقاومت در برابر یک‌جانبه‌گرایی قدرت هژمون ترجیح می‌دهد که به‌تنهایی در مقابل آن قرار نگیرد و از طریق مشارکت با کشورهای ذی‌نفع در بحران‌های بین‌المللی استقلال رأی و ایستادگی خود را در مقابل آمریکا نشان دهد. از این رویکرد می‌توان با عنوان «چندجانبه‌گرایی مقاومت گونه» یاد کرد. اما میزان مقاومت در مقایسه با سایر کشورهای درگیر در بحران‌های بین‌المللی معمولاً کمتر است. اگرچه نمی‌توان نسخه‌ای کاملاً یکسان برای رفتار در بحران‌های بین‌المللی پیچید مثال بحران کره شمالی برای مهم‌تر از بحران اوکراین یا سوریه است، اما کنش استراتژیک در قبال بحران‌های بین‌المللی از یک منطق مشخص پیروی می‌کند که مبتنی بر حفظ منافع در عین مقاومت در برابر یک‌جانبه‌گرایی است. به همین جهت، «چندجانبه‌گرایی مقاومت گونه» حاکی از تداوم رویکرد توسعه‌گرایی در سیاست خارجی با چاشنی رفتارهای جسورانه‌تر است (فلاحی و امیدی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). باید گفت هرچند پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، چین با چالش هژمونیسیم و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده مواجه شد اما سعی کرد چندجانبه‌گرایی را به مثابه سیاستی کلیدی برای ساماندهی به نظم جهانی پیگیری کند. پکن در قالب چندجانبه‌گرایی از جایگاه سازمان ملل حمایت کرده و هژمونیسیم و مداخله‌گری آمریکا در امور کشورهای دیگر را به چالش کشیده است. از منظر چین، آمریکا در ظاهر از برابری حاکمیت‌ها حمایت میکند، اما در عمل همواره خواهان سلطه‌گری است. سران چین، به دلایلی از جمله مهار هژمونیسیم آمریکا و تحقق چندجانبه‌گرایی، حدی از هژمونی کشورشان را ضروری دیده‌اند، هرچند که در اظهارات رسمی معمولاً منکر هژمونیسیم چین میشوند. در حالی که ایالات متحده، با عنوان «حمایت از

دموکراسی و حقوق بشر»، از سیستم سیاسی بسیاری از کشورها از جمله چین انتقاد کرده است. سران چین خواهان پذیرش تنوع سیستمهای سیاسی و برقراری دموکراسی در عرصه روابط بین‌المللی بوده‌اند (قنبر لو، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

مصادیق راهبردهای چندجانبه‌گرایی چین

سیاست چندجانبه‌گرایی چین به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که چین در روابط بین‌المللی خود برای توسعه همکاری‌ها، تجارت، سرمایه‌گذاری و دیپلماسی در مناطق مختلف جهان انجام می‌دهد. از جمله راهبردهای اقتصادی بین‌المللی، توسعه زیرساخت‌ها و نهادهای جدید، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه همکاری‌های دیپلماتیک، توسعه همکاری‌های علمی و فناوری، ترویج فرهنگ چین، حمایت از همکاری‌های آموزشی که در ادامه تلاش خواهد شد توسعه زیرساخت‌ها و نهادهای بین‌المللی را که از مصادیق سیاست چندجانبه‌گرایی چین هستند برای بررسی دقیق‌تر پرداخته شود.

۱. **توسعه زیرساخت‌ها:** چین به عضویت بسیاری از نهادهای چندجانبه جهانی درآمده است. چین در سال ۱۹۸۶ به توافقنامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (GATT)، سلف سازمان تجارت جهانی (WTO) و بانک توسعه آسیایی (ADB) پیوست و در سال ۱۹۹۱ به همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (APEC) پیوست. این کشور برای نهادهای چندجانبه در چارچوب سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و گروه بیست (G20) ارزش زیادی قائل است و متعهد می‌شود که از نظام بین‌المللی متمرکز بر سازمان ملل متحد محافظت کند. در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد و معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای (CTBT) شرکت می‌کند و به عنوان یک مشارکت‌کننده در بسیاری از برنامه‌های چندجانبه در مورد توسعه جهانی، از جمله بهبود اقتصادی، تغییرات آب‌وهوا، بهداشت عمومی، و مبارزه با تروریسم است. اما با این حال این کشور همچنین ابتکار عمل

را برای طراحی و ایجاد مکانیسم های چندجانبه جدید نیز به عهده می‌گیرد در همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای با محوریت فرمت ASEAN Plus نقش ایفا می‌کند، مذاکرات شش جانبه در مورد مسائل هسته‌ای کره شمالی را سازماندهی و ترویج کرد، میزبان اجلاس‌های بریکس و سازمان همکاری شانگهای (SCO)، و آغاز همکاری بین چین و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (۱+۱۷) است. (Ying, 2021). با ورود به قرن بیست و یکم، برنامه‌های چندجانبه این کشور فعال‌تر شد و با راه‌اندازی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و طرح کمربند و جاده (BRI) تلاش کرده است. چین برنامه‌های گسترده‌ای برای ساخت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات در مناطق مختلف جهان دارد که تجارت را تسهیل و همکاری بین‌المللی را افزایش می‌دهد. همان‌طور که بیان شد از مهم‌ترین این طرح‌ها احیای جاده ابریشم است. چین با ورود به قرن بیست و یکم، برنامه‌های چندجانبه این کشور فعال‌تر شد و با راه‌اندازی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و طرح کمربند و جاده (BRI) تلاش کرده است.

۱-۱ توسعه زیرساخت‌های مالی؛ تاسیس بانک‌ها و نهادهای ملی

بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا از جمله نهادهای بین‌المللی جدید مالی است که ایده آن توسط رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۱۳ و به منظور تامین اعتبار و سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و زیرساخت‌های اساسی در کشورهای آسیایی مطرح گردید. یکی از اهداف این بانک اجرای طرح‌های زیربنایی مرتبط با ابتکار یک کمربند - یک‌راه (OBOR) است. بانک پتانسیل بالایی در زمینه احداث نیروگاه‌های برق، جاده‌ها، پل‌ها، مدارس و کلینیک‌ها در آسیا دارد که هر یک از آنها می‌توانند به افزایش سطح اشتغال و تقویت اقتصاد کمک کنند (MFA, 1399) در سوی دیگر گفتنی است که بانک‌های مرکزی کشورهای بریکس موافقت کردند که پنجمین آزمایش مکانیسم بانکی را انجام دهند که می‌تواند امکان جمع‌آوری

ذخایر «ارز جایگزین» را برای محافظت از اقتصادشان در برابر شوک‌های خارجی فراهم کند. تنها چند هفته قبل از حمله روسیه به اوکراین، روسیه یک قرارداد ۳۰ ساله نفت و گاز با چین به ارزش صدها میلیارد دلار امضا کرد (Dinic, 2022). بنابراین شکل‌گیری بانک‌ها یکی از مصادیق نهادهایی است که اعضای آن خود را حامی کشورهای در حال توسعه و برقرارکننده تعادل و عدالت از تحت سیطره نظام پولی و بانکی غربی می‌دانند.

۲-۱ توسعه زیرساخت‌های ارتباطی؛ کمربند اقتصادی جاده ابریشم

کمربند اقتصادی جاده ابریشم به‌عنوان بخشی از فرآیند توسعه روابط از شرق به‌سوی غرب است که می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه روابط و همکاری‌های بین‌المللی ایفا کند. در سپتامبر ۲۰۱۳ شی جینگ‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در سفر به کشورهای آسیای مرکزی، طرح ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم را مطرح کرد. شی جینگ‌پینگ در دانشگاه نظربایف قزاقستان، پیشنهاد داد که چین و آسیای مرکزی دست‌به‌دست هم دهند و کمربند اقتصادی جاده ابریشم را برای همکاری‌های بیشتر در منطقه بسازند. او ابعاد مهم این طرح را این‌گونه مطرح کرد: ارتباطات سیاسی، اتصال جاده‌ای از پاسیفیک تا دریای بالتیک و تشکیل یک شبکه حمل‌ونقل که به آسیای شرقی، غرب و جنوب آسیا متصل می‌شود، تسهیل تجارت؛ گردش مالی و مبادلات پایاپای. رئیس‌جمهور چین؛ ابتکار جاده ابریشم دریایی را نیز ارائه داد. از این‌رو، به نظر می‌رسد یکی از جلوه‌های مهم این دیپلماسی فعال در جستجوی تداوم رشد اقتصادی و امنیت انرژی در چین در قالب ابتکار احیای جاده ابریشم پدیدار شده است. این طرح در واقع بزرگ‌ترین ابتکاری است که تاکنون توسط یک کشور در سطح جهان اعلام شده و در حال اجرا می‌باشد. این ابتکار بیش

از ۷۵ کشور را در برمی‌گیرد و هزینه اجرای آن بالغ بر چهار هزار میلیارد دلار در ۳۰۰ پروژه مختلف برآورد شده است. در راستای اجرای این طرح قرار است با ایجاد زیرساخت‌های گسترده حمل‌ونقل، شبکه‌ای از پیوندها میان اقتصاد چین با کشورهای مورد نظر برقرار گردد. این خطوط ارتباطی هم برای نقل‌وانتقال کانال و مسافر طراحی شده است و هم برای نقل‌وانتقال انرژی و به موازات این خطوط که عموماً برای استفاده‌های چندمنظوره احداث خواهد شد، طرح‌های گسترده‌ای برای ایجاد خطوط لوله انتقال انرژی نیز مد نظر قرار گرفته است (میر ترابی و ترکی، ۱۳۹۸:۴۲۹).

آسیای جنوب شرقی (11)	آسیای مرکزی و غربی (14)	خاورمیانه و آفریقا (16)	اروپا (24)	
برونئی	افغانستان	بحرین	آلبانی	لیتوانی
کامبوج	بنگلادش	مصر	ارمنستان	مقدونیه
اندونزی	یونان	ایران	آذربایجان	مولداوی
لائوس	هندوستان	عراق	بلاروس	مونته نگرو
مالزی	مالدیو	اسرائیل	بوسنی و هرزگوین	لهستان
میانمار	نیپال	اردن	بلغارستان	رومانی
فیلیپین	پاکستان	کویت	گرواسی	روسیه
سنگاپور	سری لانکا	لبنان	کشور چک	صربستان
تیمور خواند	قزاقستان	عمان	استونی	اسلواکی
تایلند	مغولستان	فلسطین	گرجستان	اسلوونی
ویتنام	قرقیزستان	قطر	مجارستان	یوقلمون
	تاجیکستان	عربستان سعودی	لتونی	اوکراین
	ترکمنستان	آفریقای جنوبی		
	ازبکستان	سوریه		
		امارات متحده عربی		
		یمن		

منبع: (فرنیان و شبانی، ۱۴۰۱:۴۳).

۲. توسعه نهادهای بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی به طور خاص نهادهایی هستند که توسط دولت‌ها تشکیل شده‌اند، اعضای آن‌ها را دولت‌ها تشکیل می‌دهند و در عین حال موجودیتی مستقل از دولت‌های

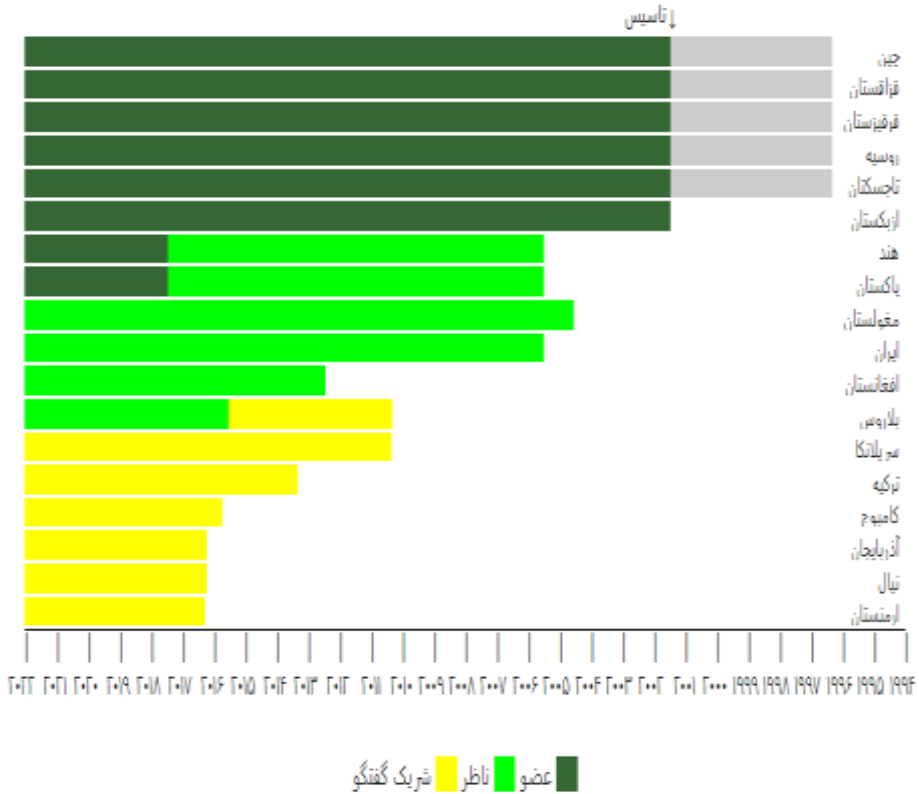
عضو نیز دارند و شخصیتی حقوقی محسوب می‌شوند. به این ترتیب، آن‌ها هم‌نهاد و هم کارگزار هستند. بیان مارتین و سیمونز از آنجا که دولت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی شکل می‌دهند، موضوع یک گزینش راهبردی هستند، اما در عین حال، بعد از شکل گرفتن واجد پیامدهایی کم‌ویش مستقل از خواست تشکیل دهندگان نیز می‌باشند؛ در پژوهش‌ها می‌توان آن‌ها را هم به عنوان متغیر مستقل و هم متغیر وابسته در نظر گرفت. یعنی در یک تحقیق ممکن است بر اساس تحقیق درباره آنچه به آن‌ها شکل داده است، متغیر وابسته و در تحقیقی دیگر بر اساس پیامدهایی که دارند، متغیر مستقل باشند. در مورد چستی یا هستی‌شناسی سازمان‌های بین‌المللی، برداشت‌های متفاوتی وجود دارد؛ گاه آن‌ها را کنش گر می‌دانند، گاه ابزاری در دست کنش‌گران دیگر (دولت‌ها) که در این صورت از منابع محسوب می‌شوند و گاه نیز به عنوان محلی برای ملاقات میان دولت‌ها و بحث و تبادل نظر هستند که محلی برای اجتماع تلقی می‌شوند. گاه نیز به عنوان یک محیط به آن‌ها می‌نگرند. این نقش‌ها یا کارکردها مانع‌الجمع نیستند و بر اساس نگاه محققان یا راهبردها دولت‌ها ممکن است هر سه باشند و بر اساس رویکردهای مفهومی متفاوت می‌توان برداشت‌ها و تفسیر متفاوتی از قدرت، رفتار و تأثیرات آن‌ها داشت (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۸).

در زمینه همکاری‌های بین‌المللی، به‌جای مشارکت در سازمان‌هایی که توسط دموکراسی‌های لیبرال، مانند ایالات متحده، رهبری می‌شوند و به آن‌ها تعمیم داده می‌شود، بحث در مورد مسائل بین‌المللی در سازمان آسه آن یا بریکس را ترجیح می‌دهد. از نظر روند صلح، به عنوان یکی از کمک‌کنندگان اصلی به پرسنل نظامی، بخشی از سازمان حافظ صلح ملل متحد شده است. این تلاش همچنین با سوء ظن به عنوان ابزاری برای اطمینان از اینکه اتحادیه اروپا و ایالات متحده نمی‌توانند از این نهاد برای ترویج دموکراسی در سراسر جهان استفاده کنند، تلقی می‌شود (Coco, 2020).

۱- ۲ شانگهای SCO

تاریخچه شکل‌گیری شانگهای به مذاکرات مرزی چین و شوروی که بعداً روسیه نامیده شد) در اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. در نتیجه توافقنامه‌هایی که طی سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ بین دو کشور منعقد شد، خطوط مرزی چین و روسیه تنظیم گردید. ۴۶۰۰ مایل خطوط مرزی چین و روسیه بارها طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شاهد درگیری‌های مرزی بین نیروهای نظامی دو کشور بوده است. پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی که هم مرز با چین بودند که شامل قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان بودند، در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در آوریل ۱۹۹۶ پنج کشور مذکور توافقنامه‌ای را تحت عنوان "توافقنامه‌ی اعتمادسازی در مناطق مرزی" به امضاء رساندند که به موجب آن، دول مذکور متعهد شدند محدودیت‌هایی را در استقرار نیروهای نظامی و فعالیت‌های نظامی خود در یک منطقه مرزی به طول ۱۰۰ کیلومتر اعمال نمایند. از آنجایی که توافقنامه مذکور در شانگهای منعقد شده بود، پنج کشور مذکور از این پس به نام کشورهای عضو شانگهای پنج" معروف شدند. شایان ذکر است که ابتکار تشکیل شانگهای پنج توسط چین مطرح شد. در ششمین اجلاس سازمان در ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای ازبکستان با موافقت پنج عضو به جمع اعضای سازمان پیوست. بدین ترتیب با الحاق ازبکستان به مجمع شانگهای در این اجلاس، شانگهای پنج به "سازمان همکاری شانگهای تغییر نام یافت و در پی آن بر گسترش همکاریها در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و تجاری تأکید شد؛ حتی شورایی به نام شورای هماهنگ‌کنندگان ملی به منظور هماهنگی فعالیت‌های عضو در سطح دو جانبه و چندجانبه ایجاد گردید. پیوستن ازبکستان به مجمع شانگهای به طور رسمی تایید کننده این است که روند شانگهای از چارچوب مسائل مربوط به مرز چین و شوروی سابق خارج شد چراکه ازبکستان با

جمهوری خلق چین هم مرز نیست و منافع کاملاً متفاوتی این کشور را به پنج کشور دیگر نزدیک می‌کند. در این مرحله مسائل امنیتی در SCO از اهمیت زیادی برخوردار گردید تا جایی که برخی آن را یک سازمان امنیتی تلقی می‌کنند. به عبارتی هر یک از کشورهای آسیای مرکزی باانگیزه‌ای خاص وارد SCO شدند؛ اما نظر مشترک همه این کشورها را می‌توان انگیزه‌های امنیتی برشمرد (صالحی کرتویجی، ۱۳۹۴:۱۱۶). در سال ۲۰۰۴ با عضویت مغولستان به عنوان عضو ناظر موافقت شد. در سال بعد یعنی در ژوئن ۲۰۰۵، در دهمین اجلاس سران در شهر آستانه، اعضای اصلی سازمان به منظور تقویت و گسترش حوزه فعالیت سازمان، عضویت ناظر کشورهای هند، پاکستان و ایران را مورد تصویب قرار دادند. حضور دو عضو شورای امنیت در سازمان همکاری شانگهای و نامزدی هند عضو ناظر سازمان «، برای عضویت دائم در شورای امنیت، علاوه برافزایش قدرت بازیگری این سازمان در منطقه ظرفیت قابل توجهی را برای ایفای نقش تعیین‌کننده آن در شکل‌گیری تحولات جهانی تولید کرده است (قریشی، ۱۳۹۶:۹۲).



اهداف و چشم‌انداز پیش روی سازمان همکاری شانگهای تا حدود زیادی مبهم است. سازمان در ابتدا کم‌تر مورد توجه بود، اما با عملیات نظامی گسترده چین و روسیه در اوت ۲۰۰۵ در شمال چین توجه زیادی را به خود جلب کرد؛ به‌طور کلی اهداف و وظایف سازمان همکاری شانگهای در منشور این سازمان این‌گونه ذکر شده است:

– تقویت اعتماد، دوستی و حسن همجواری بین دولت‌های عضو؛

-
- تحکیم همکاری‌های منظم در ایجاد و تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه و ارتقای یک نظم بین‌المللی اقتصادی و سیاسی عقلایی جدید بر پایه دموکراسی، عدالت و عقلانیت؛
 - مقابله مشترک با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمامی اشکال آن، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حمل‌ونقل سلاح و سایر فعالیت‌های مجرمانه فراملی و همچنین مهاجرت غیرقانونی؛
 - تشویق همکاری کارآمد منطقه‌ای در حوزه‌هایی مانند سیاست، تجارت و اقتصاد، دفاع، اجرای قوانین، حفاظت محیط‌زیست، فرهنگ، علوم و فناوری، آموزش، انرژی، حمل‌ونقل، مسایل مالی و اعتباری و نیز سایر حوزه‌های مورد علاقه؛
 - تسهیل رشد فراگیر و متوازن اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی در منطقه از راه اقدام مشترک بر اساس مشارکت برابر به‌منظور دستیابی به رشد پایدار شاخصه‌ای زندگی و توسعه وضعیت زندگی مردم کشورهای عضو؛
 - هماهنگی شیوه‌ها برای همکاری در اقتصاد جهانی؛
 - بهبود وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در انطباق با تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو و قوانین ملی آنها
 - حمایت و توسعه روابط با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی؛
 - همکاری در پیشگیری از درگیری‌های بین‌المللی و حل و فصل صلح‌آمیز آن‌ها؛ و سرانجام
 - تلاش مشترک برای بررسی راه‌حل مسایلی که ممکن است در قرن ۲۱ بروز کند (هاشمی، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۵).

در اهمیت سازمان همکاری شانگهای می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

- نخست؛ سازمان انعکاسی از افزایش همکاری امنیتی بین روسیه و چین است که از منتقدان اصلی ایالات متحده در نظام بین‌الملل هستند. به علاوه، سازمان همکاری شانگهای به دلیل عدم عضویت ایالات متحده در آن اهمیت خاصی دارد زیرا نظم پس از جنگ سرد نظم آمریکایی است و عدم عضویت ایالات متحده در آن سازمان همکاری شانگهای را بی‌نظیر می‌سازد.
- دوم؛ مجاورت جغرافیایی پیمان شانگهای به اروپا، اهمیت ویژه‌ای برای دورنمای امنیتی اروپا دارد؛ زیرا سازمان در حیات خلوت اروپا حضور دارد.
- سوم؛ هند به عنوان یک قدرت در حال رشد نیز عضو ناظر سازمان است؛ بنابراین دولت‌های عضو سازمان ظرفیت زیادی برای اصلاح یا تغییر توازن قوا در نظام بین‌الملل دارند.
- چهارم، اهمیت سازمان به لحاظ نظری است. ظهور سازمان می‌تواند تأثیرات مهمی بر مباحث نظری در روابط بین‌الملل درباره آینده نظام تک‌قطبی و راجع به ظهور اشکال جدیدی از موازنه قوا داشته باشد (مرادی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

۲-۲ بریکس

تشکیل بریکس در ۲۰۰۹ توسط برزیل، هند، و آفریقای جنوبی به عنوان یک ائتلاف فراقاره‌ای، ساختار بندی جدیدی برای اقتصاد و سیاست جهانی و تنها ائتلاف قدرتمند جهانی بدون مشارکت اروپا و آمریکا است که این ظرفیت را دارد تا صدایی

قوی در مجامع و مباحث مختلف اقتصادی و سیاسی بین‌المللی باشد و سیطره نظم مسلط فعلی را به چالش بکشد (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۷۰-۶۹۹). . بریکس شامل اقتصادهای نوظهور جهانی است که در قالب ائتلافی به یکی از قطب‌ها و نهادهای قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است. تشکیل گروه بریکس ارائه مدل جدیدی از تقابل بین‌المللی در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی است. اهداف مطرح شده در نشست‌های بریکس شامل:

- ۱- افزایش مبادلات تجاری بین کشورهای عضو؛
- ۲- تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی در رقابت با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول
- ۳- کاهش وابستگی به آمریکا و اتحادیه اروپا
- ۴- ایفای نقش مؤثر در زمان بحران‌های اقتصادی برای نجات کشورهای در حال ورشکستگی است؛ به نظر می‌رسد که مدار کلی سیاست‌های بریکس تلاش برای تعریف هنجارهای جدید بین‌المللی در نقد سیاست‌های بین‌المللی با آمریکا است که در این مورد هماهنگی با سیاست خارجی ایران نیز هست که سالهاست بر تقابل با قدرت آمریکا و غرب، اصول سیاست خارجی خود را بنانهاده است.

سیاست‌های اصلی بریکس به‌طور کلی بر این مبنا بوده است:

- ۱- افزایش تجارت بین کشورهای عضو و در نتیجه کاهش وابستگی اقتصادی به اروپا و ایالات متحده

- ۲- ایجاد یک بانک توسعه و ذخایر ارزی با نهادهای غربی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول
- ۳- تلاش برای برقراری روابط جنوب و جنوب، تا از پتانسیل کشورهای در حال توسعه برای تغییر بهره بگیرند
- ۴- روابط اقتصادی جهانی را با هنجارهای جدید تعریف کنند و تأثیر مثبتی بر بحران‌های بزرگ سیاسی یا اقتصادی جهانی داشته باشد (خردمندان و همکاری، ۱۳۹۹:۱۰۹-۱۰۸).

جمع بندی

چین، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای جهان است که خیزش آرام اقتصادی این کشور موجب شکل گرفتن ارتباطات و همکاری جدید در سطح بین‌الملل به دور از محوریت غرب شده است. خیزش آرام چین از نظر محافل غربی یکی از چالش‌های جدی است چراکه این کشور هرگز خود را در ذیل ارزش‌ها و هنجارهای غربی تعریف نکرده است. بنابراین ابزارهای غربی در نظام بین‌الملل می‌تواند به مهار خیزش اقتصادی چین منجر شود. در همین راستا چین برای خنثی‌سازی این اقدامات غرب و تقویت جایگاه خود بر چندجانبه‌گرایی تأکید کرده است

چندجانبه‌گرایی چین به عنوان رویکردی برای افزایش تعامل، همکاری و ارتباطات چین با سایر کشورهای جهان است و جایگاهی برای جذب سرمایه‌گذاری و تقویت امنیت اقتصادی چین به عمل می‌آورد. در همین زمینه این مقاله نشان داد که چین دو اقدام مهم انجام داده است. مورد اول توسعه زیرساخت‌ها است که امکان می‌دهد که چین در دو بعد ارتباطی و مالی ارتباطات و داد و ستد مالی را تضمین کند. اما دومین اقدام چین مربوط به ایجاد نهادهای موازی غرب است که مورد شانگهای و بریکس مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این دو نهاد می‌توانند زمینه حضور کشورهای جهان بدون مشارکت غرب و تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌های چین را تقویت کنند. هدف چین از تاسیس این نهادها این است که خود را در برابر نهادها بین‌المللی که به نحوی بانفوذ غرب تحت سلطه و سیادت آنها هستند را تضعیف کند. از همین رو سیاست چندجانبه‌گرایی چین چه در بعد توسعه ارتباطی همچون احیای جاده ابریشم و ایجاد بانکهای جدید و یا تقویت نهادهای بین‌المللی چون بریکس و شانگهای گامی برای تقویت جایگاه چین در نظام بین‌الملل است.

منابع

- ابراهیمی، حبیب (۱۳۹۴)، دلایل همگرایی چین و روسیه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ و پیامدهای آن، پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکزی
- ارغوانی پیرسی‌امی، فریبرز (۱۳۹۳)، ریشه‌های تکثرگفتمان هویت بین‌المللی در سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجده، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صص ۹۷-۱۳۲
- اشتری، مهدی؛ پور قصاب امیری، علی؛ ابونیه، فخرالدین (۱۳۹۹)، تقابل چندجانبه‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی در جامعه جهانی، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۳۸-۲۳۶۷
- خردمندان، آرزو؛ شهابی، روح اله؛ جلال پور، شیوا (۱۳۹۹)، بررسی روابط گروه بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست پژوهی ایرانی زمستان ۱۳۹۹ - شماره ۲۶، صص ۹۸-۱۲۰
- صالحی کروتویجی، مجتبی (۱۳۹۴)، تحول در راهبرد امنیتی آمریکا (بعد از ۲۰۰۱) در خاورمیانه و تأثیر آن بر رویکرد جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای، پایان نامه ارشد دانشگاه رازی، استاد راهنما فرزاد رستمی
- فرنجان، اصغر؛ شبانی، حلیمه (۱۴۰۱)، بررسی اهمیت جاده ابریشم در سیاست خارجی چین، سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۴۰۱، صص ۴۸-۲۷
- قریشی، سید رضا (۱۳۹۶)، بررسی صلاحیت سازمان همکاری شانگهای و آثار حقوقی پیوستن ایران به آن، پایان نامه ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، استاد راهنما: عبدالله عابدینی
- مرکز مطالعات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵)، بررسی جامع روابط دوجانبه ایران و چین، گزارش اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵، شماره ۱۴۸۲۵.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ دهم.
میرترابی، سعید؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ منوری، سید علی (۱۳۹۹)، ابتکار چندجانبه
گرایی مالی و چالش نظم مالی بین‌المللی (۲۰۰۸-۲۰۱۹)، فصلنامه مطالعات اقتصاد
سیاسی بین‌الملل پاییز و زمستان ۱۳۹۹، دوره سوم - شماره ۲، صص ۴۰۸-۳۸۳
هاشمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی جایگاه آسیای مرکزی در روابط ایران و روسیه، پایان
نامه دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: سید احمد فاطمی نژاد

- Byun, W. (2021, jul 07). Retrieved from Chinese Views of Hegemony and Multilateralism in the Biden Era:
<https://theasanforum.org/chinese-views-of-hegemony-and-multilateralism-in-the-biden-era/>
- Coco, O. (2020). Retrieved from Contemporary China and the “Harmonious” World Order in the Age of Globalization:
https://brill.com/view/journals/cjgg/6/1/article-p1_2.xml?language=en
- Dinic, L. (2022). Will the ‘BRICS-Plus’ Keep Growing?
<https://www.chinausfocus.com/finance-economy/will-the-brics-plus-keep-growing>
- Echo-wall. (2020). Retrieved from CHINA AND THE WORLD:
<https://www.echo-wall.eu/china-and-world/off/many-sides-multilateralism>
- Fmprc. (2021). Retrieved from Let the Torch of Multilateralism Light up Humanity's Way Forward:
https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/zyjh_665391/202101/t20210125_678968.html
- Fmprc2. (2021). Retrieved from Staying Open and Inclusive and Upholding Multilateralism: Toward a Community with a Shared Future for Mankind:
https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/zyjh_665391/202105/t20210526_9170548.html

HUANG, Y. (2020, sep 10). Retrieved from China Is Hostage to a Rules-Based Multilateral System:
<https://carnegieendowment.org/2020/09/10/china-is-hostage-to-rules-based-multilateral-system-pub-82679>

Mfa (۱۳۹۹), بانک سرمایه گذاری زیر ساخت

سیایی <https://economic.mfa.gov.ir/portal/newsview/592105>

Power.lowyinstitute. (2021). Retrieved from ECONOMIC RELATIONSHIPS:
<https://power.lowyinstitute.org/data/economic-relationships/>

Ying, F. (2021, may 06). Retrieved from How China Views Multilateralism: <https://www.euractiv.com/section/eu-china/opinion/how-china-views-multilateralism/>